

مقایسه کیفیت زندگی مادران کودکان مبتلا به فلج مغزی، کم توان ذهنی و کودکان سالم

فاطمه کیانی^۱، زینب پودینه^۲

۱. مربی پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی زاهدان، دانشکده پرستاری و مامایی

۲. دانشجوی پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی زاهدان، دانشکده پرستاری و مامایی

هوش طبیعی دچار معلولیت جسمی بودند. به نظر می‌رسد که کیفیت زندگی پایین مادران این کودکان نسبت به کودکان کم توان ذهنی به دلیل این اختلاف باشد. مطالعات نشان داده که بین کیفیت زندگی مادر و شدت معلولیت فرزندش ارتباط وجود دارد.^۳ راهکارهای ذیل برای بهبود کیفیت زندگی آن‌ها ارائه می‌گردد. مراکز توانبخشی باید نقش واقعی خود را ایفا نموده و به جنبه‌های حمایت اجتماعی و خانوادگی توجه بیشتری مبذول شود. سازمان حمایتی مانند بهزیستی و تامین اجتماعی که وظیفه اصلی آن‌ها حمایت اجتماعی از معلولان و خانواده‌های آن‌ها است، باید نقش فعال‌تری داشته باشند و خصوصا والدین کودکان و با تاکید بیشتر بر مادران در زمینه پذیرش معلولیت اطلاعات مناسب و کارشناسی لازم را ارائه دهند و این مراکز صرفا به تخفیف هزینه و کمک مالی اکتفا نکنند.

References

1. Wilson M, Elaine M. Cerebral palsy: introduction and diagnosis. *Pediatric Health Care* 2007; 21(3): 146-152.
2. Terry canal S. *Campbells operative orthopedics*. 9th ed. London: Mosby; 1998: 220-255.
3. Arnaud C, White-Koning M, Michelsen SI, et al. Parent-reported quality of life of children with cerebral palsy in Europe. *Pediatrics* 2008; 121(1): 54-64.

کم توانی ذهنی و فلج مغزی از معضلات شایع در اطفال می‌باشد. فلج مغزی معلولیتی حرکتی است که نیازمند دوره‌های طولانی مدت توانبخشی می‌باشد و در اثر صدمه دیدن مغز در حال تکامل در دوران قبل و حین تولد و یا چند سال اول عمر ایجاد می‌شود.^۱ میزان شیوع فلج مغزی در کشورهای مختلف ۶ تا ۹/۵ در هر هزار تولد زنده و در ایران ۲ در هزار برآورد شده است.^۲ از آن‌جا که معلولیت کودک در درون سیستمی به نام خانواده به وقوع می‌پیوندد آثار نامطلوبی بر عملکرد خانواده و کیفیت زندگی اعضا و خصوصا مراقب اصلی آن یعنی مادر بر جا می‌گذارد. هر چند وجود کودک معلول و کم توان می‌تواند ضایعات و اثرات جبران‌ناپذیری بر وضعیت بهداشت روان خانواده وارد کند اما این ضایعات و اثرات به میزان زیادی قابل جبران و تخفیف هستند لیکن جبران و یا کاهش این تاثیرات مستلزم داشتن شناخت علمی از آن‌هاست. این مطالعه مقطعی بوده و نمونه پژوهش متشکل از ۱۰۰ نفر از مادران کودکان استثنایی (۵۰ نفر فلج مغزی و ۵۰ نفر کم توان ذهنی) و ۵۰ نفر از مادران کودکان عادی مدارس ابتدایی می‌باشد و نمونه‌ها از میان مادران کودکان فلج مغزی با بهره هوشی نرمال که فلج مغزی آن‌ها را متخصص مغز و اعصاب کودکان تایید کرده بود و مادران کودکان کم توان ذهنی با همان شرایط اما فاقد معلولیت جسمی بودند انتخاب شدند. ابزار پژوهش پرسشنامه SF-36 بود. نتایج مطالعه نشان داد که کیفیت زندگی مادران دارای کودک CP در همه ابعاد با مادران کودکان سالم تفاوت معنی دار دارد ($p=0/001$). اما بین مادران کودکان کم توان ذهنی و سالم این تفاوت معنی دار نبود. در مطالعه حاضر کودکان کم توان ذهنی دچار معلولیت خاص جسمی نبودند درحالی‌که کودکان CP در خیلی از موارد با وجود